

نقش ژئوپلیتیک کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در امنیت منطقه‌ای (مطالعه موردی: ایران و اعراب)

کیومرث یزدان‌پناه درو* - دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، ایران
رضا دولتی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۷

چکیده

در طول تاریخ، اغلب حضور مؤلفه‌های «قدرت» و «ثروت» در کنار «ایدئولوژی» و «رقابت» به شکل‌گیری روابط خصمانه بین کشورها منجر شده است. در بین مناطق جهان، خاورمیانه و شمال آفریقا به علت دارا بودن همه مؤلفه‌های ذکر شده دارای روابط پیچیده‌تری برای دستیابی به امنیت‌اند؛ از جمله این کشورها می‌توان به ایران اشاره کرد که با وزن ژئوپلیتیک خاص خود بر کشورهای دیگر خواه در سطح منطقه خواه در سطح بین‌الملل اثر می‌گذارد. ایران، همراه سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، از کشورهای تأثیرگذار بر جهان هستند و در هر تغییر سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی تأثیر عمیقی داشته یا از آن متأثر شده‌اند. این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال است: «نقش ژئوپلیتیک ایران و اعراب در امنیت منطقه‌ای من چیست؟» توضیح داده خواهد شد که چه اتفاقی افتاده و چرا این اتفاق رخ داده است. این تحقیق از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده و برای آزمون پایایی مدل پژوهش از روش دلفی با رویکرد شبه‌گمنامی استفاده شده است. در این مقاله، تلاشی شده است تا از مدل‌های گرافیکی برای درک بهتر مفاهیم استفاده شود. نتایج حاکی از آن است که کشورهای عربی از جمله عربستان به موقعیت و وزن ژئوپلیتیک ایران توجه نمی‌کنند و، بدون توجه به جایگاه ایران، آن‌ها نمی‌توانند بحران‌های منطقه‌ای را کنترل کنند. سرانجام، با بررسی وضعیت فعلی ایران و کشورهای عربی در منطقه، به الگوی مفهومی در روابط امنیتی بین ایران و کشورهای عربی رسیدیم.

کلیدواژه‌ها: اعراب، امنیت منطقه‌ای، ایران، ژئوپلیتیک، منا.

مقدمه

در طول تاریخ، اغلب حضور «قدرت»^۱ و «ثروت»^۲ در کنار «ایدئولوژی»^۳ و «رقابت»^۴ منجر به شکل‌گیری روابط خصمانه بین کشورها شده است. در بین مناطق جهان، خاورمیانه و شمال آفریقا روابط پیچیده‌تری برای دستیابی به امنیت به‌دلیل حضور کشورهایی با خصوصیات ویژه دارند و در صورت اتخاذ استراتژی‌های اشتباه توسط قدرت‌هایی که در این منطقه وجود دارد نتیجه ناگوار خواهد بود. با نزدیک شدن به دهه سوم قرن بیست و یکم، عناوین خاورمیانه چشم‌گیر و نگران‌کننده است. سال‌ها جنگ داخلی در سوریه رخ داده و باعث بروز فاجعه داخلی شده و حرکات گسترده‌ای از آوارگان داخلی و پناهندگان را برانگیخته است. در یمن، به‌دلیل درگیری نظامی پیچیده ناشی از تقسیمات داخلی، قحطی و ناامیدی رخ داده است که با مداخلات خارجی تشدید می‌شود. یک روزنامه‌نگار عربستان سعودی در دیوارهای سفارت خود به قتل رسید. ترکیه- روزی الگویی برای امکان سیاست دموکراتیک در منطقه- به دیکتاتوری متوسل شده است. گزارش‌های مربوط به نقض حقوق بشر در بحرین و یک سلسله گزارش‌ها در کنار محدودیت‌ها و سرکوب‌های بازیگران مخالف مسالمت‌آمیز در مصر وجود دارد (انگریست، ۲۰۱۹: ۱). این رخدادها رو به گسترش در خاورمیانه و شمال آفریقا ریشه در ادبیات این منطقه دارد. درحقیقت، ادبیات در حال گسترش در مورد مناطق و منطقه‌گرایی بر نام‌گذاری خاص مناطق تأکید کرده است. با توجه به اینکه هیچ چیز «خنثی» درباره مفروضات جغرافیایی وجود ندارد، در طول تاریخ نیز هدف اصلی از شناسایی و نام‌گذاری مکان‌های جغرافیایی تقریباً همیشه به نفع منافع استراتژیک نظامی بوده است. درحقیقت، همان‌طور که کورن‌وگن و مارتین لوئیس خاطرنشان می‌کنند، برخی از اساسی‌ترین نام‌های اعطاشده در جهان برای اولین بار توسط متفکران نظامی ساخته شده و بار نظامی دارند. به عبارت دیگر، خاستگاه مناطق ریشه در برداشته‌های امنیتی و اقدامات مخترعان خود داشته است (بیلگرین، ۲۰۰۴: ۲۶). نام خاورمیانه (نام‌گذاری شده توسط آلفرد ماهان) و شمال آفریقا نیز دارای بار امنیتی است. برای نمونه، این منطقه در یکی از مناطق حساس امنیتی و انرژی در جهان است و شاهد تنش و درگیری بسیاری (بینین و وایرل، ۲۰۱۳: ۲۵)، از جمله انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹، جنگ ایران و عراق، جنگ خلیج فارس، و حمله و اشغال آمریکا به عراق که چشم‌انداز ژئوپلیتیکی خاورمیانه معاصر را به‌طرز چشم‌گیری تغییر داده (کوچ، ۲۰۲۰: ۳) بوده است. یکی از قطب‌های اثرگذار در این منطقه ایران است؛ ایران یکی از کشورهای تأثیرگذار در وزن ژئوپلیتیکی منطقه است. این روابط در قالب جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک می‌تواند محل بحث علمی خاص خود باشد. در این میان، سیاست نه شرقی نه غربی، به‌عنوان سیاست کلان جمهوری اسلامی ایران، و نیز ژئوپلیتیک خاص ایران از جمله به دلیل قرارگرفتن در منطقه خاورمیانه به‌عنوان حدفاصل سه قاره آسیا، اروپا، و آفریقا، باید به گونه‌ای سیاست خارجی کشور را سامان‌دهی کند که، ضمن درک نظام بین‌الملل، بتواند تشخیص، تثبیت، و توسعه اهداف ملی را نیز در دستور کار قرار دهد. شواهد نشان می‌دهد همه گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی ایران بر ژئوپلیتیک این کشور تأثیر زیادی داشته است؛ زیرا حضور در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا باعث رویارویی با مجموعه‌ای از تفاوت‌ها، اختلافات، و گروه‌بندی‌هاست که از جمله می‌توان به اقتدارگرایی دولت‌ها و مخالفت کشورها با یکدیگر اشاره کرد (بینین و وایرل، ۲۰۱۳: ۲۵). در چنین منطقه‌ای هر یک از کشورهای منطقه برای تأمین منافع و امنیت خود می‌کوشد با کشور یا کشورهایی که با آن دیدگاه و منافع مشترک دارد همکاری‌های سیاسی و امنیتی خود را در موضوعات کلی (از جمله آشفتگی اجتماعی، جنگ و انقلاب، روابط بین‌الملل، اشغال، رادیکالیسم، دموکراسی، حقوق بشر،

1. the power
2. Wealth
3. Ideology
4. Competition

و اسلام به‌عنوان یک نیروی سیاسی در متن خاورمیانه مدرن) گسترش دهد (کوچ، ۲۰۲۰: ۳). بنابراین، همه کشورهای منطقه نیز، بنا بر مصالح و منافع ملی، منطقه‌ای، و آرمانی خودشان، به همکاری‌های سیاسی، امنیتی، اجتماعی، و ... با هم نیاز دارند و در این میان کشورهایی که وزن ژئوپلیتیکی بالاتری دارند، تأثیرگذاری بیشتری نیز خواهند داشت. از طرفی، با توجه به اینکه امنیت یکی از مؤلفه‌های استراتژیک کشورهاست و همچنین ویژگی‌های امنیت نوین از جمله نسبی بودن امنیت، ذهنی بودن امنیت، و تجزیه‌ناپذیر بودن امنیت ایجاب می‌کند که در تشخیص و تثبیت و توسعه آن تلاش کرد. امنیت شامل بخش‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و زیست‌محیطی است. در این میان، خاورمیانه و شمال آفریقا پتانسیل لازم برای بحران‌های امنیتی گسترده در منطقه را دارد؛ زیرا گرفتار تنش‌ها و چالش‌های گسترده قومی، مذهبی، و ... (بینین و وایرل، ۲۰۱۳: ۲۵) و همچنین وجود جنگ‌های طولانی در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، و یمن معادله‌های ظریف سیاسی و اجتماعی این منطقه را پیچیده‌تر کرده است (کوچ، ۲۰۲۰: ۱۳). برای آشکارکردن رابطه متقابل و سازنده بین کشورهای منطقه و امنیت، لازم است مفاهیم «منطقه» و «امنیت» باز شوند. به عبارتی، آنچه مورد نیاز است فهم آگاهانه و جامع از خاورمیانه و شمال آفریقا است (بینین و وایرل، ۲۰۱۳: ۹). درنهایت، سه عامل را می‌توان از نظر درک جامع کنونی مهم دانست: اول، نگرانی از قیام‌های داخلی یا آشفتگی‌های امنیتی ملی کشورهای منطقه؛ دوم، نگرانی فزاینده بین کشورهای عربی منطقه در مورد گسترش قدرت ایران به‌ویژه با استفاده از بازیگران غیردولتی و نیروهای نیابتی؛ و سوم، نگرانی از خروج ایالات متحده از منطقه یا تغییر مسیر ایالات متحده در قبال اندیشه‌های خود بر منطقه (کوچ، ۲۰۲۰: ۱۹-۳۹). این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی بوده و روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات نیز به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و به‌طور عمده از طریق توصیف و مبتنی بر تفکر، منطق، و استدلال انجام گرفته است. نهایتاً، مقاله به بررسی تصورات ژئوپلیتیک ایران، همچنین مفهوم امنیت، در زمینه گفتمان‌های مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای با روال ذکر شده می‌پردازد. سپس، ما با توجه به عوامل موثر بر ژئوپلیتیک تأثیر متقابل امنیت کشورهای عربی و ایران را که در قسمت قبل یافته ایم با استفاده از نرم افزار به مدل مفهومی تبدیل می‌کنیم؛

نهایتاً مدل را با استفاده از روش دلفی با رویکرد شبه‌گمنامی ارزیابی کرده و وضعیت گفتمان‌های امنیتی منطقه را با اعمال آرای صاحب‌نظران تصحیح و به مدل نهایی پژوهش دست یافتیم.

مبانی نظری

عوامل موثر بر ژئوپلیتیک

اصطلاح «ژئوپلیتیک» در پایان قرن نوزدهم به‌کار گرفته شد. این اصطلاح ابتدا توسط رودولف شیلن سوئدی تعریف شد و آن را «علم دولت‌ها به‌عنوان اشکال زندگی بر اساس عوامل جمعیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و جغرافیایی» تعریف کرد (اسچولین، ۲۰۱۶: ۸). به‌صورت کلی، عواملی که در ژئوپلیتیک مؤثرند به دو دسته کلی «عوامل ثابت» و «عوامل متغیر» تقسیم‌بندی شده‌اند (عزتی، ۱۳۸۰: ۷۸). در عوامل ثابت اولین مورد موقعیت است؛ کشوری که دارای موقعیت راهبردی باشد به‌ناچار بخشی از راهبردهای نظامی به‌شمار می‌رود؛ اگر به‌گونه‌ای راهبردی وارد عمل شود، می‌تواند در مسیر توسعه گام بردارد؛ وگرنه به کانون بحران تبدیل می‌شود (میرزاخانی سیلاب، ۱۳۹۲: ۲۴). مورد دیگر وسعت است که در گذشته جغرافی‌دانان از جمله راتزل وسعت زیاد را عامل قدرت می‌دانستند. هر چه خاک کشوری وسیع‌تر باشد قدرت سیاسی و تمدن آن هم بیشتر خواهد بود (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۳). مورد سوم توپوگرافی است که شکل بیرونی زمین شامل مرزها، شبکه آب‌ها و ناهمواری‌ها به نحوی در جغرافیای سیاسی مؤثر است (دهنوی، ۱۳۹۶: ۱۹). مورد چهارم شکل کشور است؛ شکل جغرافیایی واحدهای سیاسی در ارتباطات، وحدت ملی، ملاحظات دفاعی، و

به‌طور کلی در ارزیابی قدرت مورد توجه قرار می‌گیرد (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۶۱). مورد نهایی فضا و تقسیمات آن است که در ژئوپلیتیک مفهوم فضا شامل سرزمین‌هایی است که انسان توانست در آن‌ها سکونت گزیند یا به‌گونه‌ای در آن دخل و تصرف کند؛ بنابراین، قلمرو فضایی ژئوپلیتیک با توسعه و پیشرفت فناوری گسترش می‌یابد. از عوامل متغیر ژئوپلیتیک مورد اول انسان و جمعیت است؛ به‌طوری‌که مهم‌ترین عامل ژئوپلیتیک انسان است. در معادلات ژئوپلیتیک، همه پدیده‌های طبیعی، اعم از عوامل ثابت و متغیر، در یک قطب و انسان به‌تنهایی در قطب دیگر قرار می‌گیرد (دهنوی، ۱۳۹۶: ۲۱). دومین متغیری که ژئوپلیتیک کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد منابع است. این منابع از حیث اینکه اساس قدرت اقتصادی به‌شمار می‌آیند، به‌طور غیرمستقیم در قدرت نظامی نیز دخالت دارند. بنابراین، در تعیین قدرت سیاسی یک کشور نقش ایفا می‌کند (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۷۱). منابع طبیعی به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) منابع غذایی؛ ب) منابع معدنی؛ و آخرین مورد عوامل ژئوپلیتیکی نهادهای سیاسی-اجتماعی هستند؛ به‌طوری‌که عوامل اساسی ژئوپلیتیک، که مورد مطالعه قرار گرفت، باعث ایجاد زیربنای اجتماعی و نهادهای سیاسی و فراهم‌آمدن زمینه اتخاذ خط‌مشی سیاسی می‌شوند (عزتی، ۱۳۸۰: ۷۹-۸۸).

منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی بسترساز شکل‌گیری الگوی فضایی روابط سیاسی دولت‌های درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است و کنش و واکنش آن‌ها و پیدایش الگوی رقابت، همکاری، و نزاع را برمی‌انگیزاند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۱۲). برای درک این مفهوم، نخست باید منطقه جغرافیایی را بررسی کرد. یک منطقه در جغرافیا هنگامی قابل تشخیص است که از یک وضعیت جغرافیایی یکپارچه برخوردار باشد و از دیگر مناطق متمایز باشد؛ به‌طوری‌که اجزای آن به‌خوبی آشکار و قابل تشخیص و شناسایی باشد (احمدی‌پور و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۰). تعاریف مختلفی که از منطقه وجود دارد بر اساس محوریت یکی از موضوعات جغرافیا، تاریخ و فرهنگ مشترک، همکاری سامان‌یافته اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، و امنیتی یا امکان شکل‌گیری یک جامعه مدنی مطرح شده‌اند (مستقیمی و ملکی، ۱۳۸۷: ۱۲۵). فرهنگ استراتژی منطقه را سرزمین چند کشور می‌داند که به‌علت پیوند جغرافیایی یا منافع مشترک به یکدیگر مرتبط شده‌اند (محمدنژاد و نوروزی، ۱۳۷۸: ۲۴۳). دولت‌ها و کشورهای موجود در یک فضا یا منطقه جغرافیایی در تمام یا پاره‌ای از ویژگی‌های طبیعی، انسانی، یا ادراکی با یکدیگر اشتراک وضع داشته یا تحت شرایطی به آن می‌رسند (حافظنیا و کاویانی، ۱۳۸۳: ۷۳). به‌طور کلی، عناصر مزبور در اهداف و منافع و استراتژی بازیگران جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند (حافظنیا، ۱۳۹۶: ۱۸۸).

قدرت منطقه‌ای

مورگان‌تا در تعریف قدرت از رابطه بین واحدهایی که قدرت را اعمال می‌کنند و واحدهایی که قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود یاد می‌کند. این رابطه دارای سه منشأ سود، هراس از زیان، و احساس تعلق است که از طریق تهدید، جاذبه، یا کاریزما اعمال می‌شوند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۵۲). در تعریف هالستی، قدرت نیازمند اقدام است؛ اقدامی که بازیگر الف نسبت به بازیگر ب دنبال می‌کند تا بازیگر ب روش خاصی را که در تطابق با آرزوهای بازیگر الف است در پیش بگیرد (قاسمی، ۱۳۹۱: ۵۴). قدرت منطقه‌ای قدرتی است که نفوذ و دامنه اثرگذاری آن فقط در یک منطقه خاص تجلی پیدا می‌کند و از آن فراتر نمی‌رود. کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه در این گروه از قدرت‌ها قرار دارند (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴) یا در تعریفی دیگر دکتر حافظنیا قدرت منطقه‌ای را قدرتی می‌داند که نفوذ آن در یک منطقه جغرافیایی و ژئوپلیتیکی تجلی پیدا می‌کند (حافظنیا، ۱۳۹۶: ۳۸۰). قدرت منطقه‌ای واقعیتی است که دارای دو ویژگی مثبت و منفی است. مؤسسه مطالعات جهانی و منطقه‌ای آلمان بر آن است که کشورهای بزرگ منطقه باید دارای خصوصیات زیر باشند: ۱. ارتباط جغرافیایی با منطقه؛ ۲. مورد پذیرش واقع‌شدن توسط سایر کشورها به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای؛ ۳.

توانایی تأثیرگذاری بر ایدئولوژی واقعی منطقه؛ ۴. جایگاه پیشرو در جمعیت، اقتصاد، ارتش، سیاست، و ایدئولوژی؛ ۵. ادغام بالا در منطقه و کنترل عالی بر امنیت منطقه‌ای (هللر، ۲۰۰۸: ۱۶).

مجموعه امنیتی منطقه‌ای

اصطلاح «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» نخستین بار به‌طور مشخص در دهه ۱۹۶۰ در آثار افرادی مانند ویلیام تامس و گراید به‌کار رفت. به باور آن‌ها، مجموعه امنیتی متشکل از دولت‌هایی است که حفظ امنیت هر یک در گرو حفظ امنیت دیگری است و تهدید امنیت یک عضو به‌منزله تهدید امنیت سایر اعضا تلقی می‌شود؛ اما شهرت و اعتبار این نظریه بیشتر مربوط به باری بوزان می‌شود (کوزهگر کالجی، ۱۳۸۹: ۴). برای درک نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای»، باید با مفاهیم امنیت در سطوح مختلف آشنا بود. باری بوزان و همکارانش امنیت را در سطوحی فردی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی مطرح کرده‌اند (کوزهگر کالجی، ۱۳۸۹: ۴). رابرت ماندل بیان می‌کند: امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزو مسئولیت‌های حکومت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به‌عمل آورند (ماندل، ۱۳۸۷). در گذشته، امنیت ملی به‌طور کلی به حفظ تمامیت ارضی و استقلال سیاسی با دفاع ملی اشاره داشت. امروزه، امنیت ملی شامل هرگونه رویکرد غیرنظامی و نظامی برای مقابله با تهدیدات بیرونی یا داخلی از جمله محافظت از جان و مال ملت، رهایی ملت از ترس، و ترس و آزادی از خواسته است (ناتو، ۲۰۱۰: ۳۱۶). نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای تلفیقی از سطوح مختلف از سطح جهانی تا سطح داخلی را برای فهم بهتر مسائل امنیتی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای فراهم می‌کند. آنچه در این نظریه از اهمیت بالایی برخوردار است وجود الگوهای دوستی/دشمنی در میان کشورهای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. همین الگوهای دوستی/دشمنی است که نوع روابط کشورهای منطقه را با یکدیگر مشخص می‌کند. ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی چهار متغیر دارد: مرز که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند؛ ساختار آنارشی، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشند؛ قطبش که پوشش‌دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست؛ ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهاست (سازمند و جوکار، ۱۳۹۵: ۱۵۶). باری بوزان استدلال می‌کند که مفهوم امنیت روشی همه‌کاره، نافذ، و مفید برای نزدیک‌شدن به مطالعه روابط بین‌الملل است. امنیت چارچوبی تحلیلی ارائه می‌دهد که بین افراط و تفریط قدرت و صلح قرار دارد (putehelle.firebaseio.com).

جدول ۱. خلاصه انواع مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای (بوزان و ویور، ۱۹۹۸: ۷۳)

نوع	ویژگی‌های اصلی	نمونه‌ها
استاندارد	قدرت‌های منطقه‌ای، قطب و جهت حرکت منطقه را تعیین می‌کنند	خاورمیانه، امریکای جنوبی، جنوب شرق آسیا، شمال و جنوب آفریقا
ابر قدرت	تک‌قطبی متمرکز حول ابر قدرت	امریکای شمالی

الگوها و روابط کشورها

در روابط بین نظام‌های سیاسی، الگوهای متنوعی بیان شده است: حافظانیا روابط ژئوپلیتیکی بین کشورها و دولت‌ها را در چهار رابطه بیان می‌کند: ۱. رابطه تعاملی؛ ۲. رابطه سلطه؛ ۳. رابطه نفوذ؛ ۴. رابطه رقابتی (حافظانیا، ۱۳۹۶: ۴۹۲). به عقیده بوزان، شکل‌گیری و عملکرد مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای به الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهای سیستم

وابسته است که باعث می‌شود نظام‌های منطقه‌ای به اقدامات و تفاسیر بازیگران و نه صرفاً بازتاب مکانیکی توزیع قدرت وابسته باشند. کورک اسکانیان^۱ رساله دکتری خود برای به‌دست‌آوردن معیارها و شاخصه‌های الگوهای دوستی و دشمنی را با محور قراردادن ماهیت پیوندی مجموعه امنیتی منطقه‌ای و شباهت‌های آن با فرهنگ آنارشی ونت، با اضافه کردن دو زیرمجموعه به هریک از مجموعه‌های امنیتی بوزان، الگوی دوستی (مثبت) و دشمنی (منفی) بسط داده است (چگنی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷). در این مقاله رابطه‌ای را که در بیشترین بازه زمانی ارتباط دو کشور دارای الگوی دوستی باشد رابطه مثبت می‌نامیم؛ رابطه‌ای که در بیشترین بازه زمانی ارتباط دو کشور دارای الگوی رقابت‌آمیز با رویکرد دشمنی و خصومت باشد آن را رابطه منفی و در صورتی که این ارتباط دارای نوسانات بین دوستی و دشمنی در مقاطع زمانی مختلف باشد، آن را روابط مقطعی (خنثی) می‌نامیم.

روش پژوهش

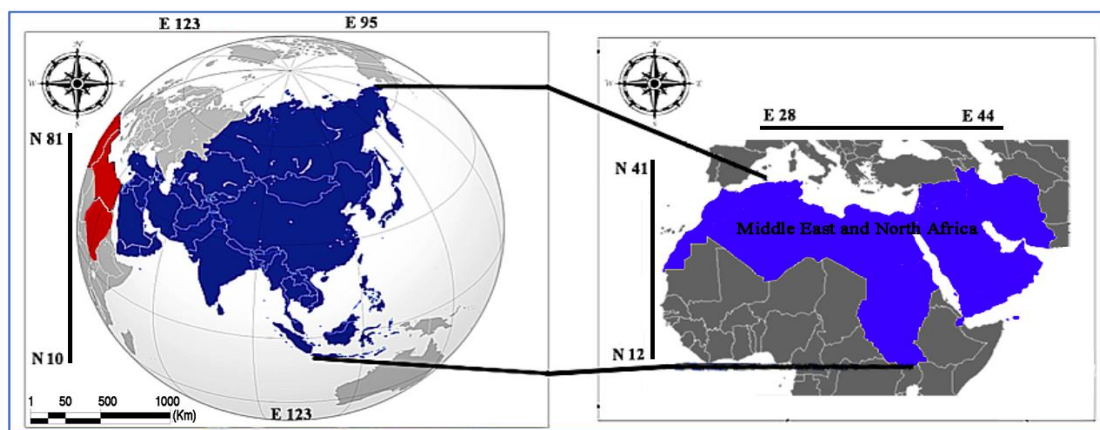
روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای دست اول بوده است. پایایی برای بررسی همبستگی موجود بین یافته‌های پژوهش از طریق منابع کتابخانه‌ای بوده و نتایج حاصله با واقعیات از روش دلفی به صورت پرسش‌نامه (با رویکرد شبه‌گمنامی) بوده و برای پایایی ابزار سنجش از آزمون آلفای کرون‌باخ استفاده شده است. در بررسی همبستگی موجود بین پژوهش و نتایج حاصله مدل نهایی دیاگرامی، طبق کتب روش تحقیق، حجم نمونه از جامعه آماری به تعداد «۳۰» عدد ذکر شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۶: ۱۶۵). در این مقاله نیز ۳۰ نفر به صورت ترکیبی از استادان و دانشجویان از جامعه آماری دانشگاه‌های تهران برای بررسی همبستگی و تصحیح مدل پژوهش انتخاب شد. نمونه آماری برای بررسی همبستگی بین یافته‌های پژوهش و مدل مفهومی: صاحب‌نظران و دانشجویان، نمونه آماری: ۱۰ نفر از استادان و ۲۰ نفر از دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری به صورت روش نمونه‌گیری «در دسترس» از طریق «پرسش‌نامه» (۵ نفر از استادان جغرافیای سیاسی و ۱۰ نفر از دانشجویان جغرافیای سیاسی) و «مصاحبه غیرساختارمند» (۵ نفر از استادان علوم سیاسی و ۱۰ نفر از دانشجویان علوم سیاسی با گرایش مطالعات منطقه‌ای و روابط بین‌الملل). برای حصول اطمینان از نتایج، متغیر کنترل (شاهد) پژوهش با نام «شرایط خاص» اعمال شد. در این راستا، دانشجویان انتخابی با شرایط «معدل بالای ۱۷» و نمره پایان‌نامه «عالی» در دانشگاه‌های تهران، مدرس، بهشتی، و خوارزمی انتخاب شدند. در مواقعی نیز برای تکمیل جامعه آماری و حرکت در مسیر سؤالات تخصصی به صورت آمارگیری گلوله برفی (زنجیره‌ای و معرفی شخص بعدی) عمل شد تا مدل به صورت دقیق ارائه شود. روند کار بدین صورت بوده است که نخست **جدول** وضعیت روابط امنیتی کشورهای عربی و ایران از کتب و پایان‌نامه‌ها در قالب یافته‌های پژوهش استخراج و در سه گروه طبقه‌بندی شد. این طبقه‌بندی امکان طراحی مدل مفهومی را برای پژوهش در اختیار ما گذاشت. برای محاسبه ارتباط و وزن ژئوپلیتیکی، نخست داده‌ها به صورت پرسش‌نامه‌ای متشکل از سه بخش گردآوری شد؛ بخش اول ارزیابی کشورها برحسب چهار مؤلفه قوت، فرصت، تهدید، و ضعف صورت پذیرفت که هدف از این بخش سنجش آشنایی پاسخ‌دهنده به مباحث و کشورهای مطرح‌شده بود و اگر پاسخ‌ها فاقد انسجام لازم و کافی تشخیص داده می‌شد، این پاسخ‌نامه از دور خارج و جای‌گزین آن نمونه دیگری می‌شد. بنابراین، بالغ بر ۵۱ نفر آزمون شدند و با اعمال شرایطی که در بالا ذکر شد ۳۰ نفر انتخاب شدند (این آزمون‌گیری تا تکمیل نمونه ۳۰ نفر ادامه یافت و مجموعاً ۵۱ نفر آزمون شدند). بخش دوم شامل مصاحبه غیرساختاریافته برای بررسی صحت یافته‌های پژوهش از منابع کتابخانه‌ای بود؛ بخش سوم پرسش‌نامه شامل سؤالات چهارگزینه‌ای جهت نیل به داده‌های کمی بود؛ بدین صورت که از طیف لیکرت

(با امتیازدهی ۱ تا ۵) به گزینه‌ها استفاده شد. ولی برای اینکه پاسخ‌دهنده تحت تأثیر اعداد کمی قرار نگیرد از واژگان کیفی (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) در گزینه‌ها استفاده شد. برای سنجش ابزار سنجش (پرسش‌نامه) و پایایی پژوهش در مدل آزمون آماری ضریب آلفای کرونباخ ۰,۷۲ (قابل قبول) و با پیشگویی اسپیرمن - براون ۰,۷۵، به‌دست آمد. از مدل ری. اس. کلاین^۱ با پنج مولفه جمعیت و سرزمین، ظرفیت اقتصادی، ظرفیت نظامی، ضریب استراتژی ملی و خواست‌ها و اهداف ملی استفاده شد. سپس، داده‌ها به‌صورت میانگین و گردکردن به سمت عدد مثبت بعدی وارد جدول شد. در مرحله بعد مضروب دو مقدار عددی جدول محاسبه شد و نتیجه به‌صورت رتبه‌بندی در ستون آخر همان جدول اضافه شد و همه یافته‌ها با مدل نرم‌افزاری اکسل تحلیل و با نرم‌افزار iThoughtsX به مدل مفهومی به شکل دیاگرام تبدیل شدند. **نهایتاً، با ورود پاسخ‌ها به نرم‌افزار، ضریب «وزن ژئوپلیتیکی کشورهای عربی منطقه از دیدگاه ایران» و «مجموع قدر مطلق ارتباط خواه مثبت و خواه منفی ایران با این کشورها» استخراج شد. نکته قابل توجه این است که به پاسخ‌دهندگان تأکید شده بود که این پاسخ‌ها در نسبت با کشور ایران بررسی می‌شود. بنابراین، این نسبت را در پاسخ‌دهی مد نظر قرار دهید. برای نمونه اگر عربستان با کشور مراکش بررسی می‌شد، قطعاً پاسخ‌ها (وزن و ارتباط) متفاوت به‌دست می‌آمد.**

جدول ۲. ضریب آلفای کرونباخ، اسپیرمن - براون

Cronbach's Alpha	۰,۷۲۰۰۴۹۸۲۸۳۳۵۳۰۸
Brown Prophecy-Spearman	۰,۷۵۴۸۹۰۵۲۱۴۵۲۳۶۷

منبع: یافته‌های پژوهش



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا

منبع: یافته‌های پژوهش

محدوده مورد مطالعه پژوهش

آسیای جنوب غربی غربی‌ترین منطقه جنوبی آسیا است. این کشور شامل آناتولی، شبه‌جزیره عربستان، ایران، لوانت، بین‌النهرین، شبه‌جزیره سینا، و ماورای قفقاز است. این منطقه، که توسط تنگه سوئز از آفریقا جدا شده، با آبراهه‌های تنگه‌های ترکیه و تقسیم زهکشی کوه‌های قفقاز از اروپا جدا می‌شود. آسیای میانه در شمال شرقی آسیای غربی قرار گرفته است؛ درحالی‌که آسیای جنوبی در شرق قرار دارد. ۲۰ کشور به‌طور کامل یا جزئی در آسیای غربی واقع شده‌اند که

از این تعداد ۱۳ کشور بخشی از جهان عرب هستند (مشدیسون، ۲۰۰۳-۲۰۰۷: ۱-۲۰). منا به معنی خاورمیانه و شمال آفریقا اصطلاحی است که برای نامیدن کشورهای عمده تولیدکننده نفت- که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارد- به کار می‌رود. حد این منطقه از کشور مراکش در شمال غربی قاره آفریقا آغاز می‌شود و تا ایران، شرقی‌ترین کشور منطقه خاورمیانه، امتداد می‌یابد.

بحث و یافته‌ها

وضعیت گفتمان‌های امنیتی ایران و کشورهای عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا

خاورمیانه و شمال آفریقا اصطلاحی است که برای نامیدن کشورهای عمده تولیدکننده نفت، که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا قرار دارند، به کار می‌رود (org.Worldbank). محیط منطقه‌ای استراتژیک خاورمیانه در حال گذار گسترده است و نتیجه نهایی هنوز ناشناخته است. علاوه بر این، موضوعات جدید ظاهر شده است (کوچ، ۲۰۲۰: ۱۹). مجموعه امنیت منطقه‌ای اظهار می‌کند که نگرانی‌های امنیتی یک بازیگر در درجه اول در همسایگی آن‌ها ابتدا در درون منطقه ایجاد می‌شود؛ زیرا امنیت هر بازیگر در یک منطقه با امنیت سایر بازیگران همان منطقه در تعامل است. بیشتر نگرانی‌های امنیتی به مسافت‌های طولانی مرتبط نمی‌شود و تهدیدات در همسایگی یک بازیگر به احتمال زیاد قوی‌تر احساس می‌شود. با توجه به انواع مجموعه‌های امنیت منطقه‌ای در جدول ۱، درمی‌یابیم اغلب وابستگی شدید امنیتی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا وجود دارد و تعامل با قدرت‌های خارجی بسیار کمتر فعال است (بوزان، ۲۰۰۳: ۱۴۰) و قدرت‌های منطقه‌ای در داخل خود منطقه قطب و امنیت منطقه را تبیین می‌کنند. در این میان نگرانی اصلی کشورهای عربی منطقه منا در یک دهه گذشته مسئله گسترش قدرت ایران در سراسر منطقه به هزینه آن‌ها، به‌ویژه با استفاده از بازیگران غیردولتی و نیروهای پروکسی، بوده است. تأثیر بیشتری که ایران قادر به اعمال آن است نتیجه مستقیم این واقعیت است که کشورهای قدرت سنتی مانند مصر، سوریه، و عراق در حال حاضر دیگر بازیکنان ژئواستراتژیک در منطقه نیستند. تا حدودی، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس- در درجه اول عربستان و امارات- وارد فضای غالب شده‌اند (کوچ، ۲۰۲۰: ۲۱). در این راستا، ایران می‌تواند وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی خود را مدنظر قرار دهد و جایگاه واقعی خود را بشناسد تا از این طریق، برآوردی واقعی از تهدیدات و فرصت‌های موجود داشته باشد و بتواند از عوامل قدرت خود در جلب کشورهای منطقه یا بازداشتن آن‌ها از همکاری با دشمنان استفاده صحیح به عمل آورد (افشردی و مدنی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). به‌طور کلی، می‌توانیم نتیجه بگیریم که رقابت‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک ایران و سعودی در عراق، لبنان، منطقه خلیج فارس و در قبال تحولات اخیر بحرین، یمن، و نیز مواجهه غیرمستقیم آن‌ها در سوریه تجلی حاکم‌شدن الگوی «تعارضی» است (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۲۵). این رقابت‌های شدید باعث تنش‌ها و جنگ‌های نیابتی شده است. جنگ‌های داخلی که خاورمیانه را ویران کرده خالهایی هم ایجاد کرده که هم بازیگران منطقه‌ای هم بین‌الملل آن‌ها را پُر کرده‌اند. در سطح منطقه‌ای، آنچه منطقه خاورمیانه در نتیجه تجربه کرده است یک رقابت سه‌جانبه جدید بین کشورهای عربی، ترکیه، و ایران برای قدرت و نفوذ است (کوچ، ۲۰۲۰: ۲۶). در سطح بین‌الملل چنین مسابقاتی شامل رقابت امنیتی بین ایران، عربستان سعودی، ترکیه، اسرائیل، و شاید مصر است و می‌تواند چین، روسیه، و ایالات متحده را هم درگیر کند (<https://www.dni.gov/index.php/north-and-east-middle-years-five-next-the>). در همین زمینه بود که سعود الفیصل، وزیر خارجه پیشین عربستان، گفت: «ما پس از بیرون‌راندن عراق از کویت با هم جنگ کردیم تا ایران را از عراق دور کنیم، اکنون بدون دلیل کل کشور را به ایران تحویل می‌دهیم» (کوچ، ۲۰۲۰: ۲۶). از منظر ایران، عربستان سعودی و امارات به‌عنوان اولویت اصلی ایجاد ائتلاف ضدایرانی با حمایت دولت

ترامپ و اسرائیل هستند که تهدید ناشی از تهران را از نظر ثبات در خاورمیانه عراق می‌کنند (آلمزانی و ریکلی، ۲۰۱۶). در بسیاری از موارد، مخالفت سعودی با ایران در خدمت منافع ایالات متحده است؛ اما این شرایط تحت هر شرایطی رخ نمی‌دهد. عربستان سعودی همچنان یک کشور کاملاً ضدانقلاب است و دارای ارزش‌ها و اولویت‌هایی است که گاهی اوقات در مورد موضوعات استراتژیک با واشنگتن همپوشانی دارد (پیاز، ۱۹۷۱: ۵۵). آنچه در یک دهه گذشته در سطح منطقه رخ داده است اختلاف بین تقسیم هم‌زمان و به هم پیوستگی نظم منطقه‌ای است. در حالی که مرزهای سرزمینی تا حد زیادی دست‌نخورده باقی مانده‌اند، حاکمیت ملی، به عنوان یک مفهوم، استقلال خود را از دست داده است (کوچ، ۲۰۲۰: ۲۸). از طرفی، دخالت خارجی در امور استراتژیک خاورمیانه بر مجموعه امنیت منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد. عصر تک‌قطبی ایالات متحده به پایان رسیده و در حالی که تحولات محیطی خاورمیانه جست‌وجوی راهکارهای نظم منطقه‌ای جدید را پیچیده‌تر می‌کند، در عین حال، فضایی برای بازیگران منطقه‌ای ایجاد می‌کند تا حق انتخاب سیاست‌های خود در منطقه را داشته باشند. به همین ترتیب، «انگیزه فعالیت‌های منطقه‌ای کشورهای خاورمیانه» بیشتر در هنگام تحولات خاورمیانه یک عنصر اصلی در معادلات آینده خواهد بود (کوچ، ۲۰۲۰: ۳۳). به طور خلاصه، روابط دو کشور مهم منطقه خاورمیانه و خلیج فارس یعنی ایران و عربستان سعودی همواره میان الگوی همزیستی و تعارض در نوسان بوده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران، الگوی تعارضی بر روابط این دو کشور غالب بوده است که به گفته بسیاری از پژوهشگران می‌توان از آن با عنوان جنگ سرد منطقه‌ای نام برد. دلیل اصلی این موضوع رقابت منطقه‌ای، ایدئولوژیکی، و ژئوپلیتیکی این دو کشور بوده است. در واقع، با حاکم‌بودن بازی با حاصل جمع صفر افزایش قدرت هر یک از این دو بازیگر منطقه‌ای تهدیدی علیه دیگری تلقی می‌شود. در حال حاضر، با توجه به تحولات منطقه‌ای از جمله بحران سوریه، عراق و یمن و توافق هسته‌ای ایران و کشورهای غربی، قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران افزایش یافته و این موضوع از نظر عربستان تهدیدی علیه این کشور است. همین امر سبب افزایش تنش‌ها و اختلافات در روابط این دو کشور شده است که با توجه به ادراک دو کشور از یکدیگر می‌تواند افزایش یابد و ادامه پیدا کند (آرم، ۱۳۹۵: ۱۲۵). امروزه، این تقسیمات قدرت در حال عمیق‌تر شدن‌اند، چه به لحاظ ماهیت چه به لحاظ تعداد. آن‌ها همچنین درجه استقلال را از روندهای گسترده سیستم بین‌المللی نشان می‌دهند. در حالی که به جای داشتن دو اردوگاه، حالا سه اردوگاه وجود دارد: محور «مقاومت» ایران، عراق، سوریه، و حزب‌الله که به میزان گسترده‌ای توسط روسیه و چین حمایت می‌شوند؛ محور ضدانقلاب شامل عربستان سعودی، امارات، بحرین، مصر، و اردن که از سوی اسرائیل حمایت می‌شوند؛ و محور تغییر شامل کشورهای قطر و ترکیه. این سه محور در وسط یک درگیری خشن برای تصمیم‌گیری در مورد آینده خاورمیانه گرفتار شده‌اند (<https://fa.shafaqna.com/news/687671>). در این میان، سیاست خارجی ایران در ارتباط با اعراب در بسیاری از موارد به صورت مستقل عمل کرده و با کشورهای عراق، فلسطین، سوریه.

لبنان، و یمن روابط مثبت و تعاملی دارد. در این میان، ایران، به دلیل قدرت و هژمونی که دارد، به این کشورها وابستگی ندارد. از طرفی، کشورهای عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، اردن و مراکش هم وجود دارند که با ایران در رابطه ضریب همبستگی منفی قرار می‌گیرند که حاصل این ارتباطات با کشورهای دیگر همچون، کویت، قطر، عمان، لیبی، تونس، و الجزایر که به صورت خنثی یا مقطعی است این سیاست‌های خارجی به عبارتی منشأ رقابت ایران و عربستان سعودی است که یکی از ویژگی‌های اصلی در منظر امنیتی خاورمیانه به‌شمار می‌آید (پیاز، ۱۹۷۹: ۵۵). با وجود موقعیت ژئوپلیتیکی ایران که پتانسیل بهبود امنیت را در سطوح مختلف از ارتباط با مناطق فقفاز و آسیای مرکزی دارد، به علت تضاد منافع بین ایران و ایالات متحده، ایالات متحده همه تلاش خود را برای جلوگیری از حصول امنیت منطقه‌ای به دست ایران به کار گرفته است. از طرف دیگر، ایران، به عنوان یک کشور صادرکننده منابع انرژی، به علت مشکلاتی از

وضعیت روابط امنیتی کشورهای عربی و ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مطابق با این یافته‌ها نشان می‌دهد. از یافته‌های جدول ۳ در گروه‌بندی دیاگرام نهایی استفاده شده است. یافته‌های جدول ۳ برای کل کشورهای منطقه است. بنابراین، به‌طور خلاصه، وضعیت روابط امنیتی کشورهای عربی با ایران در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. خلاصه وضعیت روابط امنیتی کشورهای عربی با ایران

کشور	وضعیت	ردیف
عراق، فلسطین، سوریه، لبنان، و یمن	هم‌سو	۱
عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، اردن، مصر، و مراکش	ناهم‌سو	۲
کویت، قطر، عمان، لیبی، تونس، و الجزایر	مقطعی	۳

منبع: یافته‌های پژوهش

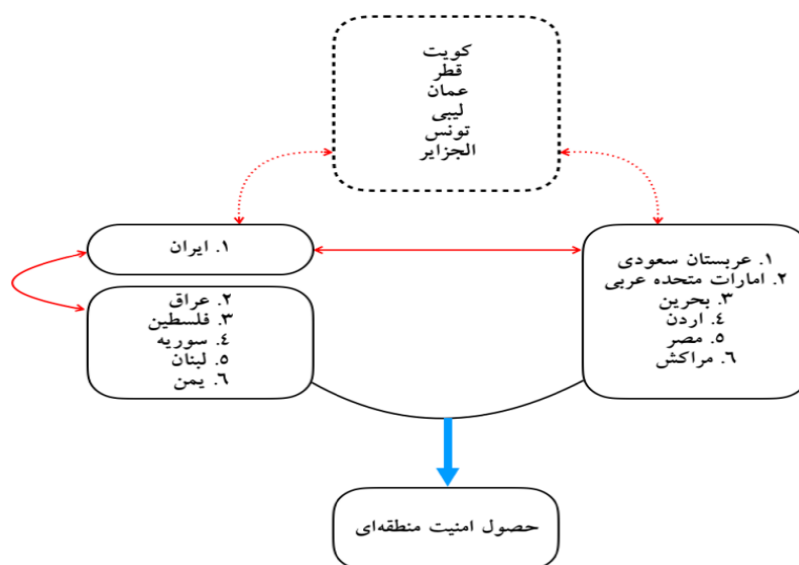
جدول ۵. تحلیل و ارزیابی اهمیت ژئوپلیتیک کشورهای عربی از منظر ایران

نتایج رتبه‌بندی کشور (از منظر ایران)	برایند ارتباط و وزن	وزن ژئوپلیتیک	ارتباط با ایران	کشور	ردیف
۱	۶/۰۰	۱/۷۵	۴/۲۵	عربستان	۱
۲	۷/۷۵	۴/۰۰	۳/۷۵	عراق	۲
۳	۳/۲۵	۱/۰۰	۲/۲۵	مصر	۳
۴	۵/۷۵	۲/۲۵	۳/۵۰	امارات	۴
۵	۸/۵	۴/۵۰	۴/۰۰	قطر	۵
۶	۵/۲۵	۴/۰۰	۱/۲۵	سوریه	۶
۷	۴/۷۵	۲/۷۵	۲/۰۰	عمان	۷
۸	۳/۷۵	۱/۷۵	۲/۰۰	بحرین	۸
۹	۵/۰۰	۱/۰۰	۴/۰۰	کویت	۹

منبع: یافته‌های پژوهش، عملیات محاسباتی با نرم‌افزار Excel

با توجه به تلفیق ارتباط و وزن ژئوپلیتیک ایران و کشورهای عربی و نظریه «مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای»، طبق این نظریه ایران می‌بایستی با کشور عربستان، به‌عنوان رهبر کشورهای عربی و به‌عنوان جهت‌دهنده سیاست‌های منطقه (جدول ۱)، ارتباط برقرار کند؛ ولی در نتایج به‌دست‌آمده عربستان در رتبه سوم منطقه از منظر ایران قرار دارد و دارای وزن ژئوپلیتیک پایینی است (جدول ۵) که این یکی از اصلی‌ترین موانع ایجاد ارتباط هم‌سو با ایران است. پس می‌توان استدلال کرد طبق نظریه باری بوزان قطب‌ها در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، که از نوع منطقه استاندارد است، جهت‌دهی منطقه‌ای را تعیین می‌کنند و از طرفی مشاهده شد که این دو کشور در تعارض نسبت به هم قرار دارند؛ این به معنی است که تعیین خط و مشی منطقه خاورمیانه توسط دو قدرت در تعارض با هم تعریف می‌شود. این خود عاملی

است که بر بحران‌ها می‌افزاید. از منظر ایران، عربستان کشوری با رتبه پایین‌تر از سایر کشورهاست و این باعث می‌شود سیاست‌های ایران نیز در قالب همین راهبرد تعیین شود.



شکل ۲. مدل روابط بین ایران و کشورهای عربی از نظر برابری ارتباط و وزن در حصول امنیت منطقه‌ای
منبع: یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار Ps2018

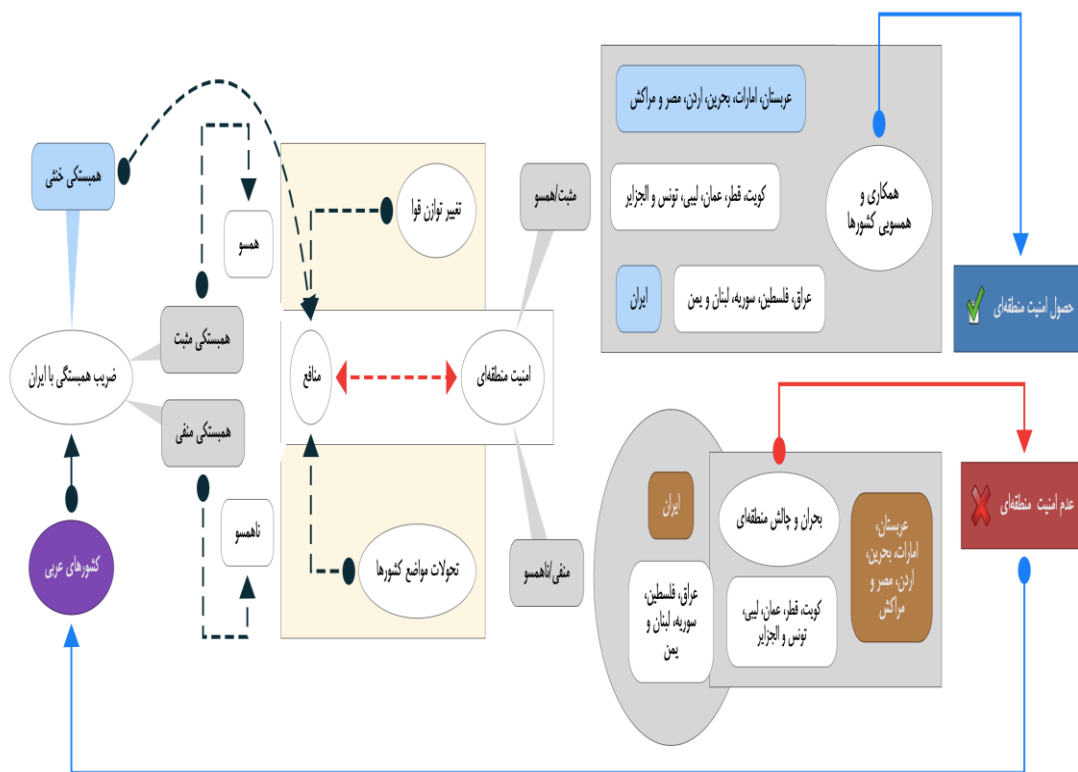
به‌طور خلاصه، نتایج بررسی کشورها در شکل ۲ قابل مشاهده است. در طی بازه تاریخی از ۱۳۵۷، کشورهای کویت، قطر، عمان، لیبی، تونس، و الجزایر متناسب با منافع ملی خود و در نظر گرفتن مصالح منطقه و در ارتباط با قدرت‌های بین‌المللی به هم‌سویی با یکی از دو بلوک قدرت موجود در منطقه اقدام کرده‌اند. بنابراین، به صورت خطوط نقطه‌چین نمایش داده شده‌اند؛ زیرا در هر بازه زمانی رفتار متفاوتی (هم‌سو/ ناهم‌سو) را با این دو بلوک قدرت داشته‌اند. ایران با توجه به ایدئولوژی خاص خود معمولاً مستقل عمل کردن را در پیش گرفته و در بسیاری از موارد به‌طور مستقیم با بلوک قدرت دیگر روبه‌رو شده است ولیکن در اغلب موارد کشورهای عراق، فلسطین، سوریه، لبنان، و یمن به یاری ایران و حل مناقشات و میانجیگری در مسائل و هم‌سو با مواضع ایران شتافته‌اند؛ هرچند به صورت قاطع نبوده، در منطقه جزو هم‌پیمانان ایران شناخته می‌شوند. در مقابل این جریانات بلوک قدرت دیگری به رهبری عربستان- متشکل از کشورهای که در اولویت آن‌ها نه منافع ملی بلکه «ایدئولوژی» و «هم‌پیمانی» با بلوک قدرت خود را در پیش گرفته‌اند. به صورت متحدالشکل با ایران و هم‌پیمانان آن‌ها روبه‌رو می‌شوند و به عبارتی در یک بلوک منسجم (خط پیوسته) قدرت قرار دارند.

نتیجه‌گیری

ایران کشوری است که با مؤلفه‌های ثابت و متغیر خود از یک سو متصل به موقعیت بری اوراسیاست و از سوی دیگر به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان از موقعیت بحری نیز برخوردار است؛ به لحاظ در اختیار داشتن تنگه هرمز نیز دارای موقعیت گذرگاهی است که، از دیدگاه جغرافیایی، قدرت کنترل منطقه‌ای و جهانی را فراهم می‌کند. در این میان، ایران با عربستان ارتباطات دیپلماتیک را قطع کرده است؛ با عراق دارای مناسبات مثبت، با عمان دارای روابط خنثی، و گاهی واسطه‌گری بین ایران و دولت‌های متخاصم و با بحرین به علل اختلافات به قطع روابط رسیده است. از طرفی، ایران با کشور سوریه روابط مثبتی دارد. در این میان، با توجه به اینکه امنیت محصول مدیریت وضعیت موجود برای رسیدن به تعادل بین مؤلفه‌های مؤثر در فضای آینده است، برای رسیدن به این مدیریت باید بین

مؤلفه‌های تأثیرگذار در امنیت همکاری و همگرایی لازم و کافی وجود داشته باشد تا این امنیت در هر سطحی برقرار شود. زیرا واقع شدن تنگه هرمز در کنار ایران به‌عنوان شاه‌رگ حیاتی اقتصاد جهان به این کشور اهمیت ژئواستراتژیک، ارتباطی، و اقتصادی ویژه‌ای برای حصول امنیت حتی در عرصه جهانی بخشیده است. از طرفی، ایران کشوری با موقعیت ژئومیلیتاری و وسعت سرزمینی و ناهموازی جغرافیایی است که، با توجه به وزن ژئوپلیتیکی آن، می‌تواند امنیت منطقه را فراهم کند زیرا بی‌توجهی به وزن ژئوپلیتیکی ایران، اثر منفی فراوانی بر مواضع کشورها و در نتیجه بر توازن قوا وارد می‌کند که با همراهی تعارض منافع نامی منطقه‌ای را تشدید می‌کند. بنابراین، محدودیت ژئوپلیتیک کنونی منطقه را می‌توان به علت در نظر نگرفتن «جایگاه»^۱ و «نقش»^۲ ایران در حصول امنیت از طرف کشورهای منطقه دانست. به عبارتی، کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از نقش تأثیرگذار ژئوپلیتیک ایران آگاهی دارند؛ ولی از نظر ارتباط با این نقش، ضعیف عمل می‌کنند. پس با در نظر گرفتن اینکه خاورمیانه و شمال آفریقا در مجموعه‌های امنیتی استاندارد قرار دارد و قطب‌های اصلی در منطقه را ایران و عربستان برعهده دارند و در صورت تعامل مثبت این دو کشور به همراه دیگر کشورهای منطقه امنیت منطقه‌ای ایجاد می‌شود و در صورت همبستگی منفی بحران امنیت منطقه‌ای رخ می‌دهد، کلید دستیابی به امنیت مزبور در منطقه تحقق همگرایی و رشد ضریب همبستگی مثبت در هر دو گروه از کشورها با تعاملات «منفی» و «مقطعی» با ایران است که زمینه همگرایی و دستیابی به امنیت منطقه‌ای در مجموعه‌های امنیتی خاورمیانه و شمال آفریقا را فراهم می‌کند و در صورت تحقق این امر همگرایی فرامنطقه‌ای با اروپا و بین‌الملل نیز رقم می‌خورد. با توجه به دیگرام مطرح شده در شکل ۳، نتایج نشان می‌دهد که این کشورهای عربی منطقه با ایران به صورت ضریب همبستگی مثبت و منفی یا خنثی برخورد و به طور کلی از «اصل منافع ملی» و «اصل ایدئولوژی» پیروی می‌کنند. در این فرایند «تغییر توازن قوا» و همچنین «تحولات مواضع کشورها» در ایجاد گروه‌بندی‌ها بسیار حائز اهمیت است. کشورها با دیدگاه‌های مختلف با ایران به سه گروه تقسیم می‌شوند: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، اردن، مصر، و مراکش در یک گروه قرار دارند. همچنین، کشورهای کویت، قطر، عمان، لیبی، تونس، و الجزایر در یک گروه ارتباطی مقطعی با ایران و هم‌پیمانان آن حضور دارند؛ به طوری که گروه دوم با توجه به منافع ملی خود یا مصلحت منطقه تغییر موضع می‌دهند و لذا کشورهای ایران و عربستان از درون این کشورها اعضای را به گروه هم‌پیمانان خود جذب می‌کنند؛ ولی این جذب و ادغام دائمی نیست. عملکرد این کشورها در مقاطعی به نفع ایران و در برخی برهه‌ها طرفدار گروه اول کشورها به رهبری عربستان و هم‌پیمانان آن‌ها بوده است. و سرانجام گروه سوم عراق، فلسطین، سوریه، لبنان، و یمن که در بیشتر موارد خود را با اهداف ایران هماهنگ می‌کنند. از آنجا که دو کشور همراه متحدانشان تقریباً وزن ژئوپلیتیکی یکسانی ایجاد کرده‌اند، قادر به خنثی کردن تأثیرات «مؤثر» یکدیگر بر منطقه نیستند. درگیری بین آن‌ها فقط شرایط را بحرانی‌تر و توازن قدرت را پیچیده‌تر می‌کند، زیرا طبق نظریه «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» باری بوزان در خاورمیانه و شمال آفریقا قطب‌های قدرت جهت‌دهی منطقه را مشخص می‌کنند. بنابراین، همگرایی این نیروها باید در صدر اهداف ایران و عربستان سعودی باشد، حال آنکه این دو کشور خود اختلافات فراوانی دارند. طبق این نظریه، هیچ کشور دیگری در منطقه توانایی جهت‌دهی به مسائل امنیتی را ندارد و بدون همکاری این دو کشور منطقه هرگز به امنیت دست نخواهد یافت. پایین‌انگاشتن قدرت عربستان و جای‌گزینی روابط با کشورهای قطر و عراق در صورت نبود برنامه منسجم و راهبرد ملی مناسب خود باعث بروز تعارض‌ها و تنش‌ها در قالب رقابت‌های منطقه‌ای می‌شود که نهایت در صورت رویکرد خصومت‌آمیز و سخت دو طرف می‌تواند به درگیری شدید و همه‌جانبه

سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی و نهایتاً نظامی ختم شود و چندین دهه سازندگی در منطقه را نابود کند. بنابراین، کاملاً ضروری است که برای امنیت بین‌الملل و امنیت منطقه‌ای در بین این ملت‌ها «یک نقش» با اهداف مشترک و محوریت همکاری‌های منطقه‌ای ایران و عربستان با هم‌سویی مثبت ایجاد شود که «کنترل و برنامه‌ریزی عمومی»^۱ جهت نیل به صلح در منطقه را فراهم کند.



شکل ۳. دیاگرام کشورهای ایران و اعراب در امنیت منطقه‌ای
منبع: یافته‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار iThoughtsX

سیاس گزاری

بر خود لازم می‌دانیم از حمایت‌های مادی و معنوی دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و همچنین از رهنمودهای استاد گرامی تشکر به عمل آوریم.

منابع

۱. آرم، آرمنیا، ۱۳۹۵، ایران و عربستان، رقابت بر سر نفوذ در خاورمیانه، فصل‌نامه سیاست، دوره ۳، ش ۹، صص ۷۳-۸۱.
۲. احمدی‌پور، زهرا؛ قادری، حاجت؛ مختاری هشی، مصطفی و مختاری هشی، حسین، ۱۳۸۹، تحلیل ژئوپلیتیکی فرصت‌ها و چالش‌های همگرایی در جنوب غرب آسیا، دوفصل‌نامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره اول، ش اول، صص ۷۷-۱۰۸.
۳. عظمی، هادی؛ زرقانی، سیدهادی و دبیری، علی‌اکبر، ۱۳۹۱، تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک در شکل‌دهی به سازمان‌های منطقه‌ای نمونه موردی: سازمان همکاری شانگ‌های، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، دوره اول، ش اول، صص ۲-۲۵.
۴. فشردی، محمدحسین و مدنی، سیدمصطفی، ۱۳۸۸، ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (با تأکید بر کشورهای برتر منطقه)، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، دوره ۳، ش ۱۳، صص ۱۱۳-۲۵۶.
۵. بوزان، باری؛ ویور، الی و دو ویلد، یاپ، ۱۳۹۲، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
۶. حاجی‌یوسفی، امیرمحمد، ۱۳۹۰، تحولات روابط ترکیه و اسرائیل در دهه اخیر و پیامدهای آن برای ایران، فصل‌نامه روابط خارجی، دوره ۳، ش ۲، صص ۷۵-۱۰۴.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا و کاویانی، مراد، ۱۳۸۳، افاق‌های جدید در جغرافیای سیاسی، سازمان مطالعه و تدوین کتب و علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران.
۸. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۹۶، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک (ویرایش جدید با تجدیدنظر)، مشهد: پاپلی.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
۱۰. چگنی‌زاده، غلامعلی؛ تاجیک، هادی و نبوی، سید مهدی، ۱۳۹۵، تأثیر تحولات سوریه بر الگوی تعاملی میان ایران و ترکیه، الگوی مفهومی و نظری، فصل‌نامه آفاق امنیت، دوره ۶، ش ۲۱، صص ۶۱-۱۱۰.
۱۱. دهنوی، علی‌اکبر، ۱۳۹۶، تبیین مفهوم و شناخت مؤلفه‌های ژئوپلیتیک غذا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه آموزشی جغرافیا رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۲. ساعی، احمد و علیخانی، مهدی، ۱۳۹۲، بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، دوره نهم، ش ۲۲، صص ۱۰۳-۱۲۹.
۱۳. سازمند، بهاره و جوکار، مهدی، ۱۳۹۵، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پویاها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس، فصل‌نامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، دوره ۱۲، ش ۴۲، صص ۱۵۱-۱۷۷.
۱۴. طاهایی، سیدجواد، ۱۳۹۲، نقد نظریه امنیت ملی، مرکز تحقیقات استراتژیک، دوره ۱، ش ۵، صص ۲۶۱-۳۳۵.
۱۵. عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۰، ژئوپلیتیک در قرن بیست‌ویکم، تهران: سمت.
۱۶. قاسمی، فرهاد، ۱۳۹۱، اصول روابط بین‌الملل، تهران: میزان.
۱۷. کوزهگر کالجی، ولی، ۱۳۸۹، استقرار سیستم دفاع موشکی ناتو در ترکیه: دلایل و پیامدها، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گزارش راهبردی ۳۳۶، ص ۴.
۱۸. ماندل، رابرت، ۱۳۸۷، چهره متغیر امنیت ملی، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۹. محمدنژاد، محمدعلی و نوروزی، محمدتقی، ۱۳۷۸، فرهنگ استراتژی، تهران: سکتا.

۲۰. مستقیمی، بهرام و ملکی، قوام، ۱۳۸۷، امکان‌سنجی شکل‌گیری سامانه منطقه‌ای در اکو، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۱، ش ۲، صص ۱۳۳-۱۴۲.
۲۱. میرحیدر، دره، ۱۳۷۵، *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب و علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۲. میرزاخانی سیلاب، رسول، ۱۳۹۲، *تأثیر ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای ترکیه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، سیدجواد صالحی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم سیاسی - مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه شیراز.
23. Afshardi, M. Hossein and Madani, S. M., 2009, The Structure of the Regional Power System in the Middle East (with Emphasis on the Top Countries in the Region), *Quarterly Journal of the Teacher of Humanities*, Vol. 3, No. 13, PP. 113-256.
24. Ahmadipour, Z.; Ghaderi H.; Mokhtari Hashi, M. and Mokhtari Hashi, H., 2010, Geopolitical Analysis of Convergence Opportunities and Challenges in Southwest Asia, *Bi-Quarterly Journal of Urban Ecological Research*, Vol. 1, No. 1, PP. 77-108.
25. Arm, A., 2016, Iran and Saudi Arabia, Competition for Influence in the Middle East, *Quarterly Policy Quarterly*, Vol. 3, No. 9, PP. 73-81.
26. Azami, H.; Zarghani, S. H. and Dabiri, A. A., 2012, Analysis of Regional Priorities and Geopolitical Perspectives in Forming Regional Organizations Case Study: Shanghai Cooperation Organization, *Iranian Journal of International Politics*, Vol. 1, No. 1, PP. 2-25.
27. Bozan, Bari, Elie Weaver and Yap de Wilde 2013, *A New Framework for Security Analysis*, translated by Alireza Tayeb, Institute for Strategic Studies, Tehran.
28. Chegnizadeh, Gholam Ali, Tajik, Hadi and Nabavi, Seyed Mehdi, 2016, The effect of Syrian developments on the interactive model between Iran and Turkey, a conceptual and theoretical model, *Security Horizons Quarterly*, Vol. 6, No. 21, PP. 61-110.
29. Dehnavi, A. A., 2017, *Explaining the concept and understanding of the geopolitical components of food.*, M.Sc. Thesis, Department of Geography, Department of Political Geography. Mashhad Ferdowsi University.
30. Ezzati, E., 2001, *Geopolitics in the 21st Century*. Tehran: SAMT.
31. Ghasemi, F., 2012, *Principles of International Relations*, Tehran, Mizan, Tehran.
32. Hafeznia, M. R. and Kaviani, M., 2004, *New Horizons in Political Geography*, Organization for the Study and Compilation of University Books and Humanities (Samt), Tehran.
33. Hafeznia, M. R., 2006, *Geopolitical Principles and Concepts*, Papli Publications, Mashhad.
34. Hafeznia, M. R., 2017, *Principles and concepts of geopolitics (new edition with revision)*, Papoli Publications, Mashhad.
35. Haji Yousefi, A. M., 2011, Developments in Turkish-Israeli Relations in the Last Decade and Its Consequences for Iran, *Foreign Relations Quarterly*, Vol. 3, No. 2, PP. 75-104.
36. Koozegar College, Vali, 2010, *Establishment of NATO Missile Defense System in Turkey: Reasons and Consequences*, Tehran. Strategic Research Center, Deputy Foreign Policy Research, Strategic Report 336. p.4.
37. Mandel, R., 2008, *Variable Face of National Security*, Translator of Strategic Studies Research Institute, Tehran: Strategic Studies Research Institute, Tehran.
38. Mir Heydar, D., 1996, *The basic themes in political geoghrapy*, Samat, Tehran.
39. Mohammad Nejad, M. A. and Norouzi, M. T., 1999, *Strategy Culture*, Sekna, Tehran.

40. Mostagimi, B. and Maleki, G., 2008, Feasibility Study of Formation of Regional System in ECO, Central Eurasian Studies, *Central Eurasia Studies, Faculty of Law and Political Science*, Vol. 1, No. 2, PP. 123-142.
41. Saei, A. and Alikhani, M., 2013, A Study of the Conflict Cycle in the Relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia with Emphasis on the Period of 1394-1382, *Specialized Quarterly Journal of Political Science*, Vol. 9, No. 22, PP. 103-129.
42. Sazmand, Bahareh and Mehdi Jokar, 2016. Regional Security Collection, Scanners and Pattern Relations Models of the Persian Gulf Countries. *International Journal of Geopolitics*, Vol. 12, No. 42, PP. 151-177.
43. Tahaei, S. J., 2013, Critique of National Security Theory. *Strategic Research Center*, Vol. 1, No. 5, PP. 335-261.
44. Mirzakhani Silab, R., 2013, The Impact of Turkey's Geopolitical Structure on the National Security of the Islamic Republic of Iran, Seyed Javad Salehi, M.Sc. Thesis in Political Science - Regional Studies, Shiraz University.
45. Almezaini, K. S. and Rickli, Jean-Marc, 2016, The small gulf states: Foreign and security policies before and after the Arab Spring, Routledge, British.
46. Angrist, M. P., (Ed.), 2019, Politics & society in the contemporary Middle East. Lynne Rienner Publishers, Boulder USA.
47. Beininand, J. and Vairel, F., 2013, Social movements. mobilization. and contestation in the Middle East and North Africa, Stanford University Press, United State.
48. Bello, V., 2017, International Migration and International Security: Why Prejudice Is a Global Security Threat, Taylor and Francis Publisher, England.
49. Bilgin, P., 2004, Whose 'Middle East'? Geopolitical inventions and practices of security, *International Relations*, SAGE Publications, Vol. 18, No. 1, PP. 25-41.
50. Buzan, B., 2003, Regional security complex theory in the post-cold war world, In *Theories of new regionalism*. Springer: Palgrave Macmillan, London.
51. Buzan, B.; Wæver, O.; Wæver, O. and De Wilde, Jaap, 1998, *Security: A new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers, Boulder USA.
52. CRS Report for congress, 2008, Iran: Ethnic and Religious Minorities, Updated November 25, Hussein D. Hassan Information Research Specialist Knowledge Services Group.
53. Heller, M., 2008, How to Avoid the Emergence of a Regional Power. The Case of Israel in the Middle East. In *Regional Power Network Conference: Regional Powers in Asia, Latin America, the Near and Middle East*, Hamburg, Vol. 15, PP. 16.
54. Koch, C., 2020, *Stabilising the Contemporary Middle East and North Africa: Regional Actors and New Approaches*. Palgrave Macmillan, Germany.
55. Koolae, E., 2011, Iran's role in energy security at regional and global levels. *Iranian Economic Review*, Vol. 15, No. 28, PP. 95-115.
56. Pearse, C. K., 1971, Grazing in the Middle East: past, present, and future, *Rangeland Ecology and Management/Journal of Range Management Archives*, Vol. 24, No. 1, PP. 13-16.
57. Scholvin, S., 2016, *Geopolitics: An overview of concepts and empirical examples from international relations*, The Finnish Institute of International Affairs, Finnish.
58. US NATO Military Terminology Group, 2010, JP 1 (02) "Dictionary of Military and Associated 1.1 Terms", 2001, Pentagon, Washington: Joint Chiefs of Staff, US Department of Defense 2010 Sep. pp. 361. Washington, USA.

59. World Bank Definition: (منا) MENA, 2014, Worldbank.org, Archived from the original on, Retrieved 28 November 2014.
60. <https://www.dni.gov/index.php/the-next-five-years/middle-east-and-north-africa>
61. <https://fa.shafaqna.com/news/687671>
62. https://wikimili.com/en/Western_Asia, Data for "15 West Asian countries", from Maddison (2003 ,2007).Angus Maddison ,2003 ,The World Economy: Historical Statistics , Vol. 2, OECD, Paris, ISBN 92-64-10412-7. putehelle.firebaseio.com.